نشریه علمی مطالعات تفسیری
سال ۱۳، تابستان ۱۴۰۱، شماره ۵۰
مقاله علمی ـ پژوهشی
صفحات: ۸۴ ـ ۶۳

Scientific Journal
Commentary Studies
Vol. 13, Summer, No. 50
Scientific Research Article

بررسی تفسیری آیه اکمال
با تکیه بر ارزیابی دیدگاه ناسازگاری سیاقی

محمدکاظم رحمان ستایش*
طلعت حسنی بافرانی**
فاطمه زهرا آل‌ابراهیم دهکردی***

چکیده

آیه اکمال ـ که از آیات شاخص در موضوع ولایت است ـ در طول تاریخ معرکه آراء مفسران فریقین بوده است. برخلاف دیدگاه اکثر مفسران اهل‌تسنن، دیدگاه اکثر مفسران شیعی حاکی از دلالت آیه بر ولایت امیرمؤمنان‌ﷺ است. البته روایات دال بر این معنا محدود در مصادر روایی شیعه نیست و در برخی مصادر روایی اهل‌سنت منعکس شده است. بر این پایه بعید نیست که اختلاف‌ها در مورد دلالت آیه، ریشه در امری غیر از روایات داشته باشد و آن چگونگی فهم ارتباط موجود میان آیه اکمال و آیه محرمات از طعام است. فهم نادرست این ارتباط، زمینه طرح دیدگاه ناسازگاری سیاقی در استدلال به آیه اکمال بر ولایت امیرمؤمنان‌ﷺ را فراهم آورده است. در این راستا نگاهی توصیفی ـ تحلیلی به دیدگاه و خاستگاه آن نشان می‌دهد: آیه اکمال خواه پیوستگی نزولی با آیه محرمات طعام داشته باشد و خواه نداشته باشد، با توجه به متوقف نبودن دلالت آیه محرمات از طعام بر آیه اکمال و تغییر لحن در آیه اکمال، آیه‌ای معترضه است؛ آیه اکمال با دلالت بر ولایت امیرمؤمنان‌ﷺ به حسب معنا با آیه محرمات از طعام مرتبط است؛ روایات صادره از معصومان‌ﷺ در خصوص آیه اکمال، کوششی هوشمندانه به منظور اثبات نادرستی این دیدگاه بوده است.

واژگان کلیدی

آیه اکمال، قاعده سیاق، نظام روایات، ولایت امیرمؤمنان‌ﷺ.

---

*. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم. mk.setayesh@qom.ac.ir
**. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم. t.hasani@qom.ac.ir
***. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم (نویسنده مسئول). fatemehzahra.aleebrahim@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۳۰

طرح مسئله

از نمودهای همراهی قرآن و عترت، نزول شماری از آیات و سور قرآن در شأن عتـرت و اشـاره برخـی از آنها به منزلت این بزرگواران است. مفسران کلام الهی در مقام تفسیر این بخش از کلام الهی تلاش‌های ارزنده‌ای داشته‌اند، اما به‌سان سایر مباحث اختلافی فریقین، این موضوع نیز در طـول تـاریخ معرکـه آراء مفسران بوده است.

آیه اکمال از آیات شاخص در موضوع ولایت است که در مورد دلالت آن میان مفسران فریقین اختلاف نظر پیش آمده است.

> ... الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلا تَخْشَوْهُمْ وَ اخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلامَ دِيناً ... . (مائده / ۳)
>
> ... امروز کسانی که کافر شده‌اند، از (کارشکنی در) دین شما نومید گردیده‌اند، پس از ایشان مترسید و از من بترسید، امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم و اسلام را برای شما (به عنوان) آیینی برگزیدم ... .

بر پایه روایات دیدگاه اکثر مفسران شیعی حاکی از نزول آیه اکمال در روز ۱۸ ذی‌الحجه سال دهم هجری در باب اکمال دین در عرصه اصول[۱] با حکم ولایت امیرمؤمنان‌علیه‌السلام است. (رازی، ۱۴۰۸: ۶ / ۲۴۷؛ کاشانی، ۱۳۳۶: ۳ / ۱۸۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵ / ۱۷۶؛ فضل الله، ۱۴۱۹: ۸ / ۴۷؛ صادقی، ۱۳۶۵: ۸ / ۶۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴ / ۲۶۴؛ موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۱۰ / ۳۱۷؛ مدرسی، ۱۴۱۹: ۲ / ۲۹۶؛ ثقفی، ۱۳۹۸: ۲ / ۱۷۳؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۴ / ۳۴۴) به عقیده برخی از آنان نزول آیه در این روز و در این مورد، پشتوانه سیاقی محکمی نیز دارد؛ زیرا با تعابیر آیه یعنی یأس کفار، اکمال دین، اتمام نعمت و اسلام مرضی هماهنگ است.

اما اکثر مفسران اهلِ‌سنت بر آنند که آیه اکمال در روز ۱۰ ذی الحجه سال دهم هجری ـ عرفه حجةالوداع ـ در باب اکمال معظم دین با حکم حج (به نقل از: ابن‌عطیه، ۱۴۲۲: ۲ / ۱۵۴؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۶ / ۶۲ ـ ۶۱) یا اکمال کل دین با حکم حج نازل شده است. (به نقل از: رشیدرضا، ۱۹۹۰: ۶ / ۱۳۸) برخی از آنان هنگام بحث سخنی از احتمال دلالت آیه بر ولایت امیرمؤمنان‌علیه‌السلام به میان نیاورده‌اند (طبری، ۱۴۱۲: ۶ / ۵۴ ـ ۵۱؛ بروسوی، بی‌تا: ۲ / ۳۴۵ ـ ۳۴۲؛ ابن‌عاشور، بی‌تا: ۵ / ۳۵ ـ ۲۸؛ خطیب، بی‌تا: ۳ / ۱۰۳۴ ـ ۱۰۳۱) و برخی به رغم اشاره به این احتمال آن را کم‌اهمیت جلوه داده‌اند، چنان‌که سیوطی در بحث از سبب نزول،

---

۱. ولایت شأنی از شئون امام‌علیه‌السلام است و امامت از اصول مذهب به حساب می‌آید.

روایت دال بر این معنا را در پایان سایر اقوال روایی ذکر کرده است. (سیوطی، ۱۴۰۴: ۲ / ۲۵۹)

شاید بتوان چالش سیاقی دیدگاه شیعیان؛ یعنی ارتباط نداشتن آیه اکمال ـ با دلالت بر ولایت امیرمؤمنان علیه السلام ـ با آیه محرمات طعام را دلیل بی‌توجهی یا کم‌توجهی برخی مفسران سنی به آن دانست. وجود چنین چالشی همچنین زمینه طرح دیدگاه ناسازگاری سیاقی در استدلال به آیه اکمال بر ولایت امیرمؤمنان علیه السلام را در اذهان برخی محققان اهلِ‌سنت فراهم آورده است. برخی ضمن اشاره به دیدگاه شیعیان درصدد انکار آن بر آمده‌اند (دروزه، ۱۳۸۳: ۹ / ۲۹؛ رشیدرضا، ۱۹۹۰: ۶ / ۱۲۷) و با تمسخر درباره ارائه چنین دیدگاهی از سوی شیعیان سخن گفته‌اند (آلوسی، ۱۴۱۵: ۳ / ۲۳۴) و حتی ادعای شیعیان مبنی بر منصوص بودن امامت امیرمؤمنان علیه السلام را با استناد به سیاق همین آیه کذب قلمداد کرده‌اند. (رازی، ۱۴۲۰: ۱۱ / ۲۸۸)

طبیعی است به موازات این چالش سیاقی، فضای متفاوت در برخی مصادر روایی اهلِ‌سنت مبنی بر دلالت آیه اکمال بر حکم حج، (طبری، ۱۴۱۲: ۶ / ۵۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۲ / ۲۵۸ ـ ۲۵۷) مزید بر علت شود و با ایجاد ذهنیتی متفاوت برخی محققان اهلِ‌سنت را به ورطه بی‌اعتقادی به سازگاری سیاقی در استدلال به آیه بر ولایت امیرمؤمنان علیه السلام بکشاند. تا آنجا که حتی برخی روایات موجود در مصادر روایی اهلِ‌سنت و مؤید دیدگاه شیعیان، (حسکانی، ۱۴۱۱: ۱ / ۲۰۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۲ / ۲۵۹) به‌رغم توثیق رجال سلسله اسناد در کتاب شریف ***الغدیر*** بر پایه موازین اهلِ‌سنت، (امینی، ۱۳۹۷: ۱ / ۴۰۵ ـ ۴۰۱) تاب مقاومت در برابر دیدگاه یاد شده را نداشته باشد. لذا مسئله اصلی پژوهش حاضر، بررسی تفسیری آیه اکمال با تکیه بر ارزیابی دیدگاه ناسازگاری سیاقی است.

در بررسی پیشینه مطالعات پیرامون آیه اکمال، می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره کرد:

الف) نجارزادگان، فتح الله، ۱۳۸۷ ش، «بررسی تطبیقی تفسیر آیه اکمال با تأکید بر نقد مناقشه‌ها درباره دیدگاه شیعه»، ***تحقیقات علوم قرآن و حدیث***، ش ۹، ص ۱۳۱ ـ ۱۵۹. در این مقاله دیدگاه‌های شیعیان و اهلِ‌سنت در خصوص آیه اکمال مطرح شده و دیدگاه‌های اهلِ‌سنت مورد نقد قرار گرفته و افزون بر استناد به روایات، تحلیل‌های درون متنی نیز صورت پذیرفته است.

ب) جلائیان اکبرنیا، علی، ۱۳۹۱ ش، ***ابلاغ ولایت اکمال رسالت***، چاپ سوم، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی. در این کتاب برخی شبهات پیرامون آیه اکمال مورد نقد قرار گرفته است.

ج) ارجمندفر، مهدی، ۱۳۹۱ ش، «بررسی تناسب آیه اکمال با ابتدای آیه»، ***ادبیات و علوم انسانی***، شماره ۲۵ ـ ۲۴، ص ۹۶ ـ ۷۱. در این مقاله تناسب آیه اکمال مورد تحلیل قرار گرفته و مبتنی بر حکمت الهی قلمداد شده است.

د) اسماعیلی‌زاده، عباس و محبوبه غلامی، ۱۳۹۳ ش، «نقش سیاق در تفسیر آیه اکمال»، ***حسنا***، شماره ۲۳، ص ۶۸ ـ ۳۷. در این مقاله با تکیه بر سیاق، دلالت آیه بر ولایت امیرمؤمنان‌علیه‌السلام ثابت شده است.

هـ) قرائی سلطان آبادی، احمد، ۱۳۹۶ ش، «تبیین فهم آیه اکمال دین براساس نظم فراخطی قرآن»، ***پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن***، سال ۶، شماره ۱، ص ۱۷۶ ـ ۱۵۳. در این مقاله با اتکا به الگوی نظم فراخطی نشان داده شده است که اعتقاد به عدم ارتباط آیه اکمال با کلام پیرامون، نظری مطلوب و منطبق بر واقعیت متن قرآن نیست.

و) جلائیان اکبرنیا، علی و محمدامین انسان، ۱۳۹۸ ش، «پژوهشی در سیاق سوره مائده از طریق نظم فراخطی»، ***مشکوة***، سال ۳۸، شماره ۱۴۳، ص ۵۲ ـ ۲۳. در این مقاله با توجه به الگوی نظم فراخطی، هدف هدایتی سوره مائده و ارتباط سیاقی آیات ازجمله ارتباط آیه اکمال با کلام پیرامون بررسی شده است.

هر چند در این پژوهش‌ها سه محور کلی مورد ارزیابی قرار گرفته است:

الف) نقد دیدگاه‌ها و شبهات اهلِ‌سنت در خصوص آیه اکمال؛

ب) تبیین شکل استدلال شیعیان به آیه اکمال بر ولایت امیرمؤمنان‌علیه‌السلام؛

ج) تحلیل ارتباط آیه اکمال با کلام پیرامون، اما از این زاویه به آیه پرداخته نشده است که چه برداشت‌هایی از دیدگاه ناسازگاری سیاقی و خاستگاه آن قابل ارائه است، چه نقدی بر هر یک از این برداشت‌ها وارد است و چه نظامی بر روایات صادره از معصومان‌علیهم‌السلام در خصوص آیه حکم‌فرما است.

به این منظور نویسنده درصدد است تا با روش توصیف و تحلیل و با تکیه بر جایگاه سیاق در تفسیر، در گام اول و دوم به تحلیل دو برداشت از دیدگاه و خاستگاه آن و در گام سوم به تحلیل نظام روایات صادره از معصومان‌علیهم‌السلام در خصوص آیه اکمال بپردازد، با این فرضیه که هر دو نگرش برداشت شده از دیدگاه و خاستگاه آن مخدوش است.

در این پژوهش تکیه بر تفاسیر مشهور فریقین با روش قرآن به قرآن بوده است، اما در عین حال از تفاسیری نیز که از گرایش‌هایی چون اجتماعی، تربیتی، کلامی و ادبی بهره برده‌اند، استفاده شده است.

بخش اول. تحلیل برداشت یکم از دیدگاه و خاستگاه آن

مفاد برداشت اول آن است که خاستگاه دیدگاه، اعتقاد به متصله بودن آیه اکمال باشد و در پی این اعتقاد، با ایجاد چالش سیاقی عدم ارتباط موضوعی آیه اکمال ـ با دلالت بر ولایت امیرمؤمنان‌علیه‌السلام ـ با

آیه محرمات طعام، زمینه طرح دیدگاه یادشده فراهم شود. این نگرش مخدوش است، زیـرا چنـان‌کـه در این بخش خواهد آمد، آیه اکمال خواه پیوستگی نزولی با آیه محرمات طعام داشته باشـد و خـواه نداشـته باشد، با توجه به متوقف نبودن دلالت آیه محرمات طعام بر آیه اکمال و تغییر لحن در آیه اکمال، آیـه‌ای معترضه است و با اثبات معترضه بودن آیه اکمال، لزوم ارتباط موضوعی با آیه محرمات طعام منتفی شده و صرف وجود ارتباط معنایی، هیچ نقطه مبهمی در این خصوص باقی نمی‌گذارد. اینک به منظـور روشـن شدن مطلب، وجوه انکار و وجوه اثبات معترضه بودن آیه اکمال مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

۱. تحلیل وجوه انکار معترضه بودن آیه اکمال

قائلان به متصله بودن آیه اکمال، در تبیین آن تعابیر مختلفی به‌کار برده‌اند. نمونه اول کلام صـاحب تفسـیر ***المنار*** است که در بیان نکته قرار گرفتن آیه اکمال (مائده / ۳) در میان آیه محرمـات طعـام (مائـده: ۵ / ۳) می‌نویسد:

> همانا من از قرار گرفتن این خبر در این موضع به این نکته پی می‌برم که حکمت اکتفا به ذکر محرمات اربعه در صدر اسلام تدرج در تحریم بوده است تا عرب از اسلام‌گریزان نشود و تفصیل آن بعد از قوت اسلام و یأس مشرکان از اسلام‌گریزی مسلمانان بیان شده است. (رشیدرضا، ۱۹۹۰: ۶ / ۱۲۷)

چنان‌که ملاحظه می‌شود این مفسر به پیوستگی موضوعی آیه اکمال با آیه محرمات طعام قائل شده است و تلویحاً معترضه بودن آیه و امکان دلالت آن بر ولایت امیرمؤمنان﵇ را زیر سؤال برده است. باید از ایشان پرسید که وجه نفی این اعتراض چیست؟

الف) اگر وجه آن، این است که اعتقاد به معترضه بودن آیه اکمال و دلالت آن بر ولایت امیرمؤمنان﵇، نظم بدیع قرآن را مخدوش می‌سازد، باید دانست که این ویژگی برخی آیات قرآن است که به ظاهر خارج از نظم به نظر می‌رسند، اما درواقع بنا بر حکمت میان کلام واقع شده‌اند، چنان‌که رشید رضا در سوره هود در مورد آیه «أَمْ يقُولُونَ افْتَراهُ قُلْ إِنِ افْتَرَيْتُهُ فَعَلَي إِجْرامِي ...»، (هود / ۳۵) قول مقاتل مبنی بر معترضه بودن آیه را نسبت به اقوال قائلان به معترضه نبودن ارجح دانسته و حکمت این اعتراض را رد شبهه کذب داستان نوح و تشویق مخاطب بر استماع ادامه کلام قلمداد کرده است. (رشیدرضا، ۱۹۹۰: ۱۲ / ۶۱ ـ ۶۰) اگر وجود اسلوب اعتراض در برخی آیات قرآن ازجمله آیه اکمال پذیرفته نشود، لازم می‌آید بر آن آیات، تفسیری همسو با کلام پیرامون آنها تحمیل شود که این امر موجب پنهان ماندن مراد خداوند می‌شود.

ب) اگر وجه آن، این است که اعتراض وجه مناسبت می‌طلبد که در این آیات موجود نیست، باید توجه داشت که آیات مرتبط با ولایت به‌صورت پراکنده در میان سایر آیات به گونه‌ای تنظیم شده‌اند که در عین رساندن پیام اصلی آیه، با محور اصلی سوره و آیات هم‌جوار مرتبط باشند، هر چند این ارتباط در بدو امر مشهود نباشد. (جلائیان، ۱۳۹۱: ۳۸) بر پایه دسته‌بندی روشمند آیات که روشی در مسیر کشف استدلالی غرض‌سور است، (خامه‌گر، ۱۳۹۶: ۱۰۱ ـ ۶۸) غرض جزئی آیات (۱۴ ـ ۱) سوره مائده، توجه دادن به وفا به عهدهای الهی و آثار دنیوی و اخروی اخذ یا نقض میثاق قلمداد شده است، (جلائیان و انسان، ۱۳۹۸: ۳۱ ـ ۳۰) لذا می‌توان گفت آیات هم‌جوار آیه اکمال با مسئله ولایت هماهنگ است، زیرا ولایت یکی از عهدهای الهی است که التزام به آن یا تخلف از اقامه آن آثار دنیوی و اخروی خود را خواهد داشت. پذیرش ولایت خداوند، انسان را به موجودی الهی مبدل می‌سازد و عدم‌پذیرش این ولایت، از انسان موجودی غیرالهی می‌سازد و بر هر وضعیت اثرات دنیوی و اخروی خاص آن وضعیت مترتب است. (ر.ک: حسینی تهرانی، ۱۴۲۶: ۵ / ۳۸ ـ ۳۷) اولیاءالله نیز به اذن الهی صاحب ولایت هستند و از یک‌سو پذیرش ولایت باطنی ایشان (ولایت تصرف) به سبب اشرافشان بر عالم کائنات، ضامن هدایت و سعادت انسان است و از سوی دیگر پذیرش ولایت ظاهری ایشان (ولایت امامت و ولایت زعامت) به سبب اشرافشان بر احکام شریعت و اداره مملکت، هدایت و سعادت انسان را تضمین می‌کند. (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۴: ۳ / ۲۸۸ ـ ۲۷۷) بر پایه این روش غرض اصلی سوره مائده، حفظ دین از رهگذر وفا به عهدهای الهی و هشدار نسبت به تغییر دین قلمداد شده است، (جلائیان و انسان، ۱۳۹۸: ۳۱ ـ ۳۰) لذا می‌توان گفت روند کلی سوره قابلیت‌پذیرش مسئله ولایت را دارد، زیرا ولایت یکی از عهدهای الهی است که التزام به آن موجبات حفظ دین را فراهم خواهد کرد. به عبارت دیگر خداوند که ولی بالذات انسان است، شریعتی را بنا نهاده و احکامی شریعتی (اعتقادی و عملی) را وضع کرده و به‌تدریج به‌مرحله کمال رسانده است، به گونه‌ای که پذیرش ولایت او مستلزم پایبندی به احکام شریعت بوده و موجب حفظ شریعت می‌شود. (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۸: ۱۴۴ ـ ۱۴۲) همین گونه است نسبت به اولیاء الله که ولی بالعرض انسان و واضع احکام شریعت هستند و از یک‌سو علم و عصمت ایشان و از سوی دیگر پذیرش ولایت ایشان زمینه حفظ شریعت را فراهم می‌آورد. (ر.ک: حلی، ۱۴۱۳: ۳۶۳) البته در بخش دوم مقاله که برداشت دوم از دیدگاه و خاستگاه آن ارائه می‌شود، به تفصیل به وجوه مناسبت میان آیه اکمال و آیه محرمات طعام اشاره خواهد شد.

رشید رضا بر مبنای چنین اعتقادی، زمان نزول آیه اکمال را روز دهم ذی الحجه سال دهم هجری (رشیدرضا، ۱۹۹۰: ۶ / ۱۲۸) و مورد نزول آیه را اکمال کل دین با حکم حج می‌داند. (رشید رضا، ۱۹۹۰: ۶ / ۱۳۸) در پاسخ به ایشان باید گفت:

الف) خواه یوم به معنای روز نزول آیه قلمداد شود (طبری، ۱۴۱۲: ۶ / ۵۲؛ ابن‌عطیه، ۱۴۲۲: ۲ / ۱۵۴؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۶ / ۶۲ ـ ۶۱؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۹: ۳ / ۲۴؛ رشید رضا، ۱۹۹۰: ۶ / ۱۲۸) و خواه به معنای برهه زمانی نزول آیه، (رازی، ۱۴۲۰: ۱۱ / ۲۸۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۱ / ۶۰۵ ـ ۶۰۴؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۲ / ۱۱۵؛ بروسوی، بی‌تا: ۲ / ۳۴۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۳ / ۲۳۳) این دیدگاه به دلایلی قابل‌پذیرش نیست: ۱. در این دیدگاه معنایی برای یأس کفار از دین مسلمانان متصور نیست، زیرا اگر مراد یأس مشرکان قریش بود، این امر با فتح مکه محقق شد و اگر مراد یأس مشرکان عرب بود، این امر هنگام نزول سوره برائت تحقق یافت، در حالی که مراد یأس همه کفار شامل یهود، نصاری، مجوس و سایرین است و آنان هنوز از غلبه بر دین مسلمانان مأیوس نشده بودند و شوکت اسلام از شبه جزیره عرب تجاوز نکرده بود؛ (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵ / ۱۷۰؛ موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۱۰ / ۳۰۶) ۲. وجهی برای اختصاص این روز به این‌که خداوند در آن اسلام را به‌عنوان دین بپسندد، وجود ندارد، (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵ / ۱۷۴) ۳. این روز شأنی مناسب با اکمال دین ندارد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵ / ۱۷۳ ـ ۱۷۰؛ موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۱۰ / ۳۰۸ ـ ۳۰۶)

ب) خواه آیه در باب اکمال معظم دین با حکم حج باشد (به نقل از: ابن‌عطیه، ۱۴۲۲: ۲ / ۱۵۴؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۶ / ۶۲ ـ ۶۱) و خواه در باب اکمال کل دین با حکم حج، (به نقل از رشیدرضا، ۱۹۹۰: ۶ / ۱۳۸) این دیدگاه به دلایلی قابل پذیرش نیست:

۱. مراد از اکمال دین را نمی‌توان اکمال آن با تعلیم عملی همراه با تعلیم قولی مناسک حج دانست، زیرا تعلیم یک واجب اکمال آن واجب نامیده نمی‌شود، چه رسد به این‌که اکمال مجموع دین نامیده شود؛

۲. این دیدگاه موجب انقطاع رابطه دو بخش آیه می‌شود، زیرا ارتباطی میان یأس کفار و تعلیم مناسک حج وجود ندارد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵ / ۱۷۱ ـ ۱۷۰؛ موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۱۰ / ۳۰۷ ـ ۳۰۶)

نمونه دیگر کلام صاحب ***التفسیر الحدیث*** است که آیه اکمال را جزئی از آیه محرمات طعام می‌داند و می‌نویسد:

> اگر این بخش به تنهایی نازل شده باشد، هیچ حکمتی از ادخال آن در آیه‌ای که اولش به آخرش اتصال موضوعی دارد، فهمیده نمی‌شود. (دروزه، ۱۳۸۳: ۹ / ۲۶)

وی در موضعی دیگر می‌نویسد:

> حکمت تنزیل با این دو مقطع ـ آیه اکمال ـ تحکیم و تقویت احکام موجود در آیات سه‌گانه ابتدایی سوره و تثبیت قلوب مسلمانان پیرامون آن احکام و دین عظیم مبین حدود آن احکام را هدف قرار داده است. (دروزه، ۱۳۸۳: ۹ / ۲۷)

چنان‌که ملاحظه می‌شود این مفسر لازمه استقلال نزولی را وجود حکمت ادخال دانسته است و چون

چنین حکمتی نیافته است، به پیوستگی نزولی آیه اکمال با آیه محرمات طعام قائل شده است و تلویحاً معترضه بودن آیه و امکان دلالت آن بر ولایت امیرمؤمنان‌علیه‌السلام را زیر سؤال برده است. در پاسخ به ایشان افزون بر نقدهای وارد بر دیدگاه رشید رضا باید گفت:

الف) براساس قاعده عدم‌الوجدان لایدل علی عدم‌الوجود، احتمال دارد که وجوه حکمت متعددی با فرض نزول استقلالی برای این ادخال قابل شناسایی باشد که از دید مفسر پنهان مانده باشد.

ب) در مباحث آتی خواهد آمد که معترضه بودن یک جمله مستلزم صدور استقلالی آن نیست و چه بسا گوینده در یک مجلس کلامی ایراد کند که مشتمل بر جملات متصله و معترضه باشد. بر این پایه آیه اکمال خواه پیوستگی نزولی با آیه محرمات طعام داشته باشد و خواه نداشته باشد، می‌تواند به‌عنوان آیه‌ای معترضه ایفای نقش کند، لذا امکان دلالت آیه بر ولایت امیرمؤمنان‌علیه‌السلام وجود دارد.

دروزه بر مبنای چنین اعتقادی، زمان نزول آیه اکمال را مدتی کوتاه بعد از صلح حدیبیه (دروزه، ۱۳۸۳: ۹ / ۲۷) و مورد نزول آیه را اکمال معظم دین با احکام نازل شده تا آن روز می‌داند. (دروزه، ۱۳۸۳: ۹ / ۲۸) به منظور روشن شدن مطلب، نحوه استدلال مفسر و نقد آن ارائه می‌شود:

الف) این مفسر آیه سوم سوره مائده را به آیه اول سوره متصل ـ پیوستگی موضوعی ـ می‌داند و می‌نویسد:

> این امر احتمال نزول آیه سوم با دو آیه قبل را تقویت می‌کند و از آنجا که دو آیه قبل خصوصاً آیه دوم با الهام از مفادشان، مدتی کوتاه بعد از صلح حدیبیه نازل شده‌اند، تاریخ نزول آیه سوم نیز همین مقطع از تاریخ است، لذا باید از تسلیم در برابر روایات مبنی بر نزول آیه سوم یا دو مقطع آن ـ آیه اکمال ـ در روز عرفه حجةالوداع سرباززد. (دروزه، ۱۳۸۳: ۹ / ۲۷ ـ ۲۶)

احتمالی که وی در این خصوص مطرح کرده است، تلاوت آیه توسط پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله در روز عرفه حجةالوداع و ملتبس شدن امر بر روات است. (دروزه، ۱۳۸۳: ۹ / ۲۷)

دور از انصاف است اگر گفته شود که حکم مفسر به پیوند موضوعی و در پی آن حکم به پیوند زمانی و در نهایت حکم به غیر قابل پذیرش بودن روایات مبنی بر نزول آیه سوم یا دو مقطع آن ـ آیه اکمال ـ در روز عرفه حجةالوداع، کوششی عامدانه جهت خروج از موضع انفعالی در برابر دیدگاه شیعیان مبنی بر نزول آیه اکمال در سال دهم هجری بوده است، بلکه یقیناً مفسر کشف مراد حقیقی خداوند را وجهه همت خود قرار داده است، اما در پاسخ به ایشان باید گفت: ۱. پیوند موضوعی لزوماً پیوند زمانی را ثابت نمی‌کند، کما این‌که خود ایشان از پیوند موضوعی آیات، احتمال پیوند زمانی را برداشت کرده است؛

۲. آیه اکمال دلالت بر یأس کفار و اکمال دین دارد، در حالی که با صلح حدیبیه در سال ششم هجری، نه یأسی محقق شده بود و نه اکمالی؛ ۳. سوره مائده مطابق با ترتیب نزول مشهور قرآن، جزو آخرین سور مدنی نازل شده است، لذا مدت‌ها بعد از صلح حدیبیه نازل شده است. (معرفت، ۱۴۱۵: ۱ / ۱۳۸ ـ ۱۳۷؛ نکونام، ۱۳۸۰: ۱۴۵؛ موسوی دارابی، ۱۳۸۲: ۲ / ۷۱۹ به بعد)

ب) این مفسر در خصوص شأن آیه اکمال این‌گونه اظهار نظر می‌کند: «این دو مقطع ـ آیه اکمال ـ در تنویه (اشاره)، هتاف (فریاد) و مدی (گستره) شگفت‌انگیز هستند و چه بسا همین امر موجب شده است تا مؤولین نظر خاص مستقلی به این دو مقطع داشته باشند. همانا شأن این دو مقطع ایجاد طمأنینه و اعتزاز در مسلمانان، ایجاد پیوند برادری و پشتیبانی میان آنان و ایجاد روحیه عدم مبالات با دشمنان در ظرف زمانی نزول این دو مقطع و پس از آن است. عجیب است که راویان و مفسران شیعه آیه سوم یا دو مقطع آن ـ آیه اکمال ـ را بر رواء (سیما)، سناء (تابش)، اطلاق (کلیت) و هتاف (فریاد) عام آن باقی نگذارده و آن را مطابق با هوای خویش تأویل کرده‌اند». (دروزه، ۱۳۸۳: ۹ / ۲۹ ـ ۲۸)

اگر مراد مفسر آن است که دلالت معنایی آیه اکمال عام است، اما شیعیان آیه را تأویل به مورد خاص کرده‌اند، در پاسخ به ایشان باید گفت که تنها وجهی که با تعابیر موجود در آیه هماهنگ است و دو بخش آیه را کاملاً به هم مرتبط می‌سازد، نزول آیه در روز هجدهم ذی الحجه سال دهم هجری در باب اکمال دین با حکم ولایت امیرمؤمنان علیه السلام است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵ / ۱۸۲ ـ ۱۶۷؛ صادقی، ۱۳۶۵: ۸ / ۸۳ ـ ۶۷؛ موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۱۰ / ۳۱۸ ـ ۳۰۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴ / ۲۶۹ ـ ۲۶۳)

۲. تحلیل وجوه اثبات معترضه بودن آیه اکمال

قائلان به معترضه بودن آیه اکمال، برخی بدون پرداختن به وجه مناسبت این اعتراض صرفاً معتقد شده‌اند که این آیه کلامی است معترضه که لفظ آیه محرمات طعام در دلالتش متوقف بر آن نیست، (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳ / ۲۴۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵ / ۱۶۷؛ موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۱۰ / ۳۰۳ ـ ۳۰۲) اما برخی دیگر به وجه مناسبت این اعتراض پرداخته و چنین آورده‌اند که انتقال مطلب در آیه اکمال، به اتمام دین نبوی الحدوث با مسئله ولایت اشاره دارد (فضل الله، ۱۴۱۹: ۸ / ۴۷) و در پرتو پذیرش ولایت امام علیه السلام که استمرار ولایت خداوند و پیامبر صلی الله علیه و آله است، می‌توان نسبت به مسائل جزئی چون احکام طعام خاطری آسوده داشت. (ر.ک: فیض کاشانی، ۱۴۱۸: ۱ / ۲۶۱)

البته اعتقاد به معترضه بودن آیه اکمال به مفسران شیعی اختصاص ندارد و برخی مفسران اهلِ‌سنت نیز این آیه را به زعم خود اعتراضی با غرض تأکید بر معنای تحریم در آیه محرمات طعام دانسته‌اند، به این معنا که تحریم خبائث مذکور ازجمله دین کامل، نعمت تام و اسلام مرضی است.

(رازی، ۱۴۲۰: ۱۱ / ۲۸۹؛ بروسوی، بی‌تا: ۲ / ۳۴۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۳ / ۲۳۴؛ حوی، ۱۴۲۴: ۳ / ۱۳۱۵) در این میان ابن‌عاشور می‌نویسد:

> مناسبت در این اعتراض آن است که مشرکان هنگام شنیدن احکام اسلام، امید ارتداد مسلمانان را در سر می‌پروراندند، لذا خداوند خاطرنشان ساخت شدت در حکم مذکور از اکمال دین بوده و در آن مصلحتی راجع به منافع بدنی و مصلحتی راجع به ترفع از حضیض کفر نهفته است. (ابن‌عاشور، بی‌تا: ۵ / ۲۸)

وجه مشترک مفسرانی از اهلِ‌سنت که چنین اعتقادی دارند، خطا در کشف دلالت آیه و حکمت اعتراض آن است. بر این پایه در بخش دوم مقاله لازم است تحلیل برداشت دوم از دیدگاه و خاستگاه آن ارائه شود تا به این ترتیب پاسخ این طرز نگرش داده شود که آیه اکمال به رغم معترضه بودن، با فرض دلالت بر ولایت امیرمؤمنان‌علیه‌السلام، با آیه محرمات طعام ارتباط معنایی ندارد، لذا اساساً بر ولایت امیرمؤمنان‌علیه‌السلام دلالت ندارد.

فارغ از اختلاف این مفسران در مورد وجه مناسبت این اعتراض، اصل معترضه بودن آیه اکمال با توجه به ارتباط دلالی صدر و ذیل آیه سوم سوره مائده از یک‌سو و روایات نزول آیه اکمال از سوی دیگر پذیرفتنی تلقی شده است، زیرا آن صدر و ذیل در دلالت خود متوقف بر این آیه نیست (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵ / ۱۶۷) و در روایات مربوط به نزول این آیه سخنی از آن صدر و ذیل به میان نیامده است. (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۱۰ / ۳۰۳)

به‌منظور روشن شدن مطلب، دو نکته مقدماتی، تفصیل نکات و داوری نهایی ارائه می‌شود:

نکته ۱: طبق اظهار نظر عالمان عرصه تفسیر، شرط تحقق سیاق معتبر، افزون بر پیوستگی در موضوع، (میبدی، ۱۳۸۵: ۲۹۹) پیوستگی در صدور کلام (معرفت، ۱۴۱۵: ۱ / ۲۸۰) است و ملاک اعتبار سیاق در چنین کلامی، معقول نبودن صدور جملات با معانی نامتناسب از گوینده دانا است. (بابایی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۲۸)

در تأیید و تکمیل این نگاه می‌توان چنین گفت که اگر کلام پیوستگی صدوری داشته باشد، دو حالت متصور است:

الف) تمام جملات متصله هستند، به این معنا که ارتباط موضوعی دارند.

ب) برخی جملات معترضه هستند، به این معنا که با سایر جملات ارتباط موضوعی ندارند، اما ارتباط معنایی دارند.

لذا گاه گوینده در یک مجلس کلامی ایراد می‌کند که مشتمل بر جملات متصله و معترضه است و

بایست اعتبار سیاق را در این کلام بر پایه نوع جملات مورد ارزیابی قرار داد. در چنین کلامی برای جملات متصله، سیاق در کشف دلالت « معتبر » است (با توجه به وحدت سیاق، تعبیر سیاق به‌کار رفت) و برای جملات معترضه، سیاق کلام پیرامون در کشف حکمت اعتراض «معتبر» است (با توجه به عدم پیوستگی موضوعی و در نتیجه عدم وحدت سیاق، تعبیر سیاق کلام پیرامون به‌کار رفت).

بدیهی است در حالتِ پیوستگی صدور، ابتدا باید نوع جملات را به کمک قرائن تشخیص داد، سپس به کیفیت اعتبار سیاق حکم کرد. در صورت تشخیص ندادن نوع جملات، تمسک به سیاق با احتمال خطا مواجه خواهد بود، زیرا برای خواننده روشن نیست که در کدام جملات به سیاق برای کشف دلالت و در کدام جملات به سیاق کلام پیرامون برای کشف حکمت اعتراض ترتیب اثر دهد.

نکته ۲: عالمان عرصه تفسیر همچنین معتقدند در کلامی که پیوستگی در صدور ندارد، سیاق نامعتبر است، (بابایی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۲۸) زیرا هر چند در چنین کلامی صدور جملات متعارض معقول نیست، اما صدور جملات نامتناسب محذوری ندارد.

در تأیید و تکمیل این نگاه می‌توان چنین گفت که اگر کلام پیوستگی صدوری نداشته باشد، سه حالت متصور است:

الف) تمام جملات متصله هستند، به این معنا که ارتباط موضوعی دارند.

ب) برخی جملات معترضه هستند، به این معنا که با سایر جملات ارتباط موضوعی ندارند، اما ارتباط معنایی دارند.

ج) برخی جملات منفصله هستند، به این معنا که با سایر جملات نه ارتباط موضوعی دارند و نه ارتباط معنایی.

لذا گاه گوینده در دو مجلس کلام خود را ایراد می‌کند، به گونه‌ای که برخی جملات مجلس دوم نسبت به جملات مجلس اول متصله، برخی معترضه و برخی منفصله است و بایست اعتبار سیاق را در این کلام بر پایه نوع جملات مورد ارزیابی قرار دارد. در چنین کلامی برای جملات متصله، سیاق کلام پیرامون در کشف دلالت «معتبر» است، برای جملات معترضه، سیاق کلام پیرامون در کشف حکمت اعتراض «معتبر» است و برای جملات منفصله، سیاق کلام پیرامون «نامعتبر» است (در هر سه حالت با توجه به عدم‌پیوستگی صدوری و در نتیجه عدم‌وحدت سیاق، تعبیر سیاق کلام پیرامون به‌کار رفت؛ همان نوع کلامی که بابایی از تأثیر آن به تأثیر قراین ناپیوسته یاد کرده است. (بابایی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۲۹)

بدیهی است در حالتِ عدم پیوستگی صدور نیز، ابتدا باید نوع جملات را به کمک قرائن تشخیص داد، سپس به کیفیت اعتبار سیاق حکم کرد. در صورت تشخیص ندادن نوع جملات، تمسک به سیاق با

احتمال خطا مواجه خواهد بود، زیرا برای خواننده روشن نیست که به سیاق کلام پیرامون در کدام جملات برای کشف دلالت و در کدام جملات برای کشف حکمت اعتراض ترتیب اثر دهد و در کدام جملات اصلاً ترتیب اثر ندهد.

حال با توجه به دیدگاه غالب مبنی بر توقیفی بودن ترتیب آیات و اعتقاد به وجود مناسبت در آیات، (زرکشی، ۱۴۱۰: ۱ / ۳۵۳؛ سیوطی، ۱۴۲۱: ۱ / ۲۱۴؛ معرفت، ۱۳۸۲: ۸۴؛ رامیار، ۱۳۶۹: ۵۷۴) احتمال منفصله بودن برخی آیات در بخشی از کلام وحی که پیوستگی صدوری ندارد، منتفی است و تنها دو حالت متصله بودن یا معترضه بودن متصور است.

بر پایه این مقدمات داوری نهایی نویسنده در مورد آیه اکمال چنین است:

با تکیه بر این حقیقت که در روایات مربوط به نزول آیه اکمال بحثی از آیه محرمات طعام به میان نیست، احتمال دارد که آیه اکمال استقلال نزولی داشته باشد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵ / ۱۶۸؛ موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۱۰ / ۳۰۳) در این صورت از میان دو حالت متصله بودن یا معترضه بودن، با تکیه بر متوقف نبودن دلالت آیه محرمات طعام بر آیه اکمال و تغییر لحن در آیه اکمال، متصله بودن آیه منتفی شده و معترضه بودن آن ثابت می‌شود. البته حتی اگر نتوان با قاطعیت به نزول استقلالی آیه اکمال حکم کرد، آیه همچنان می‌تواند به‌عنوان آیه‌ای معترضه ایفای نقش کند، زیرا معترضه بودن یک جمله مستلزم صدور استقلالی آن نیست و چنان‌که در نکته اول توضیح داده شد، چه بسا گوینده در یک مجلس کلامی ایراد کند که مشتمل بر جملات متصله و معترضه باشد.

نباید از نظر دور داشت که با اثبات معترضه بودن آیه اکمال، می‌توان به سیاق آیه محرمات طعام برای کشف حکمت اعتراض ترتیب اثر داد که موضوع بحث در بخش آتی است.

بخش دوم. تحلیل برداشت دوم از دیدگاه و خاستگاه آن

مفاد برداشت دوم آن است که خاستگاه دیدگاه، اعتقاد به معترضه بودن آیه اکمال باشد و در پی این اعتقاد، با ایجاد چالش سیاقی عدم ارتباط معنایی آیه اکمال ـ با دلالت بر ولایت امیرمؤمنان علیه السلام ـ با آیه محرمات طعام، زمینه طرح دیدگاه یاد شده فراهم شود. این نگرش مخدوش است، زیرا چنان‌که در این بخش خواهد آمد، آیه اکمال هر چند آیه‌ای معترضه است، اما به حسب معنا به آیه محرمات طعام مرتبط است و وجوه مناسبت متعددی میان این دو آیه قابل شناسایی است. به عبارت دیگر می‌توان برخلاف عقیده قائلان به دیدگاه، به نوعی سازگاری سیاقی میان آیه اکمال ـ با دلالت بر ولایت امیرمؤمنان علیه السلام ـ و آیه محرمات طعام دست یافت. بر این پایه حتی اگر آیه اکمال استقلال نزولی داشته باشد، مراد از

دستیابی به نوعی سازگاری سیاقی، کشف حکمت اعتراض آن و بـه تعبیـر دیگـر کشـف وجـه مناسـبت اعتراض آن با تمسک به سیاق آیه محرمات طعام است. اینک به منظور روشن شدن مطلب، وجوه انکار و وجوه اثبات مناسبت آیه اکمال مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

۱. تحلیل وجوه انکار مناسبت آیه اکمال

تتبع در تفاسیر شیعیان نشان می‌دهد که اعتقاد به مناسبت نداشتن آیه اکمـال ــ بـا دلالـت بـر ولایـت امیرمؤمنان‌علیه‌السلام ـ با آیه محرمات طعام، مختص به برخی اهلِ‌سنت نیست و در کلام برخی مفسران شیعی نیز قابل‌بازیابی است. این مفسران حکم به‌عدم مناسبت داده‌اند و ایـن عـدم مناسـبت را یـا امـری الهـی دانسته‌اند، یا امری غیر الهی. به‌عنوان «عدم مناسبت الهی» می‌توان به قول مفسری استناد کرد که سبب درج موضوع ولایت در آیه مشتمل بر موضوع احکام لحوم را محافظت موضوع ولایت از تحریف دانسـته است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴ / ۲۷۰) و به‌عنوان «عدم مناسبت غیر الهی» می‌توان در اقوال مفسـرانی تأمل نمود که معتقد به «وضع غیر مغرضانه آیه اکمال در غیر محل خـود توسـط گردآورنـدگان قـرآن» (سبزواری، ۱۴۰۶: ۲ / ۴۲۱) و «تغییر مغرضانه جایگاه آیـه اکمـال توسـط معانـدان بـه جهـت عنـاد بـا امیرمؤمنان‌علیه‌السلام و غصب خلافت» (طیب، ۱۳۷۸: ۴ / ۲۹۶) بوده‌اند.

نباید از نظر دور داشت که تفاوتی اساسی میان اعتقاد این دو گروه از مفسران این دو فرقه وجود دارد. مفسران شیعی به رغم اعتقاد به عدم مناسبت، دلالت آیه اکمال بر ولایت امیرمؤمنان‌علیه‌السلام را پذیرفته‌اند، اما مفسران اهلِ‌سنت دلالت آیه بر ولایت را به عللی چند ازجمله همین عدم مناسبت انکار کرده‌اند.

چنان‌که ملاحظه می‌شود برخلاف برداشت اول از دیدگاه و خاستگاه آن‌که مفسر با اعتقاد به متصله بودن آیه اکمال، در پی ارتباط موضوعی آیه اکمال ـ با دلالت بر ولایت امیرمؤمنان‌علیه‌السلام ـ با آیه محرمات طعام است و آن را نمی‌یابد، در برداشت دوم مفسر با اعتقاد به معترضه بودن آیه اکمال، در پی ارتباط معنایی آیه اکمال ـ با دلالت بر ولایت امیرمؤمنان‌علیه‌السلام ـ با آیه محرمات طعام است و آن را نمی‌یابد. به این ترتیب وجه انکار مناسبت آیه اکمال نیازمند تحلیل خاصی نیست، اما ذکر یک نکته در این باب ضروری است. در پاسخ به مفسرانی چون صاحب ***مفاتیح الغیب*** و صاحب ***روح المعانی*** که آیه اکمال را به زعم خود اعتراضی با غرض تأکید بر معنای تحریم در آیه محرمات طعام دانسته‌اند، (رازی، ۱۴۲۰: ۱۱ / ۲۸۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۳ / ۲۳۴) باید گفت که نیافتن ارتباط معنایی میان آیه اکمال ـ با دلالت بر ولایت امیرمؤمنان‌علیه‌السلام ـ و آیه محرمات طعام، بر وجود نداشتن چنین ارتباطی دلالت ندارد و تفصیل مطلب در مباحث آتی خواهد آمد.

۲. تحلیل وجوه اثبات مناسبت آیه اکمال

در برابر اعتقاد برخی مفسران فریقین به مناسبت نداشتن آیه اکمال ـ با دلالت بر ولایت امیرمؤمنان ـ با آیه محرمات طعام، برخی از مفسران شیعی حکم به وجود مناسبت داده‌اند و این مناسبت را یا در اسلوب یافته‌اند، یا در معنا. به‌عنوان «مناسبت اسلوبی» می‌توان به قول مفسری اشاره کرد که عادت قرآن را در درج امور حائز اهمیت در ضمن آیات مشتمل بر احکام متعدد دانسته و آن را اسلوب بلاغی مستحسنی نزد بلغا به حساب آورده است (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۱۰ / ۳۰۲) و به‌عنوان «مناسبت معنوی» می‌توان از قول مفسری یاد کرد که انتقال مطلب در آیه اکمال را اشاره‌ای به اتمام دین نبوی الحدوث با مسئله ولایت دانسته است. (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۸ / ۴۷)

اولین تبلور اعجاز ادبی قرآن در گزینش و چینش خاص واژه‌هاست. (عرفان، ۱۳۷۹: ۴۶؛ معرفت، ۱۴۱۵: ۵ / ۹) این چینش از ویژگی‌هایی چون استواری (عدم ضعف تألیف)، خوش ادایی (عدم تنافر کلمات به هنگام ادا)، روشنی (عدم‌پیچیدگی)، تنکیت (وجود نکاتی حکیمانه) و توقیفیت (وجود نظامی وحیانی) برخوردار است (عرفان، ۱۳۷۹: ۷۰) که بر همین مبنا علم تناسب شکل گرفته است. (سیوطی، ۱۴۲۱: ۲ / ۲۱۷) نکته حائز اهمیت در مبحث تناسب آن است که در مواجهه با آیه‌ای از آیات قرآن نخست سؤال شود که آیا این آیه مکمل آیات سابق است، یا استقلال دارد ـ استقلال موضوعی ـ و اگر استقلال دارد، میان این آیه با آیات سابق چه وجه مناسبتی قابل شناسایی است. (سیوطی، ۱۴۲۱: ۲ / ۲۱۷) این مطلب در مورد یک بخش آیه با بخش دیگر آن نیز مطرح است.

بر پایه مباحثی که در بخش اول گذشت، آیه اکمال آیه‌ای معترضه است، لذا با تمسک به سیاق آیه محرمات طعام می‌توان حکمت اعتراض آن را کشف کرد.

تحلیل معنایی فقرات آیه سوم سوره مائده، مؤید این نکته است که در این آیه چینشی هدفمند وجود دارد، زیرا صدر ـ و ذیل ـ آیه از محرمات طعام سخن می‌گوید و در ادامه آیه اکمال با اشاره به مسئله ولایت، از این نکته پرده بر می‌دارد که در سایه شناخت مسئله ولایت، حیاتی معنوی برای انسان حاصل می‌شود. حال می‌توان گفت که هدف خداوند از این چینش، منصرف کردن ذهن انسان از مظاهر حیات مادی و معطوف کردن توجه او به مسئله ولایت و نقش امام در تأمین حیات معنوی مأموم بوده است. به عبارت دیگر این چینش حکایت از آن دارد که امام مصباح هدایتی است که انسان را در مسیر حیات مادی به سیری معنوی رهنمون می‌سازد.

حال اگر گفته شود این مطلب در حد یک توجیه به نظر می‌رسد، باید پرسید که وجه نفی آن چیست؟ اگر وجه نفی این مطلب، تمایز دو مقوله «ولایت» و «محرمات طعام» و اعتقاد به عدم امکان چینش این

دو مقوله در کنار یکدیگر در کتاب مسلمانان است، اولاً این چینش به ظاهر خارج از نظم اما درواقع بنا بر حکمت است، ثانیاً مشابه این چینش در سوره انعام نیز قابل شناسایی است، زیرا در این سوره پس از ذکر آیات مربوط به محرمات طعام که با حیات مادی انسان مرتبط است، در آیه «أَ وَ مَنْ كانَ مَيتاً فَأَحْيَيناهُ وَ جَعَلْنا لَهُ نُوراً يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُماتِ لَيسَ بِخارِجٍ مِنْها ...»، (أنعام / ۱۲۲) به ممات و حیات معنوی انسان اشاره شده است. مؤید این مطلب روایتی تفسیری ذیل آیه است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۱۸۵) که دلالت بر این معنا دارد که عدم شناخت امام‌ﷺ انسان را می‌میراند و شناخت امام‌ﷺ به انسان زندگی می‌بخشد. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲ / ۳۲۲)

اما سایر وجوه مناسبت میان آیه اکمال و آیه محرمات طعام عبارتند از:

الف) اتمام دین نبوی الحدوث با مسئله ولایت: انتقال مطلب در آیه اکمال، به اتمام دین نبوی الحدوث با مسئله ولایت اشاره دارد. (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۸ / ۴۷)

ب) آسودگی خاطر نسبت به مسائل جزئی دین در پرتو پذیرش ولایت امام‌ﷺ: جایگاه آیه اکمال حکایت از آن دارد که در پرتو پذیرش ولایت امام‌ﷺ که استمرار ولایت خدا و پیامبرﷺ است، می‌توان نسبت به مسائل جزئی چون احکام طعام خاطری آسوده داشت، (ر.ک: فیض کاشانی، ۱۴۱۸: ۱ / ۲۶۱) زیرا رسالت قرآن کریم بیان کلیات است و رسالت پیامبرﷺ و ائمه‌ﷺ بیان جزئیات.

ج) تجزیه‌ناپذیر بودن شریعت مرضی خدا: قرار گرفتن آیه اکمال در میان آیه محرمات طعام دلالت بر آن دارد که شریعت مرضی خداوند کلی تجزیه‌ناپذیر و متکامل است و مشتمل بر اموری است که به تصور و اعتقاد، شعائر و عبادات، حلال و حرام و تنظیمات اجتماعی و دولی اختصاص دارد، لذا خروج از جزئی از این شریعت، خروج از کل آن محسوب می‌شود. (سید قطب، ۱۴۱۲: ۲ / ۸۴۱)

د) جواز اقامه رهبری مستمر بعد از پیامبر اکرم‌ﷺ: ذکر حکم ولایت در میان حکم اولیه حرمت و حکم ثانویه اباحه محرمات یازده‌گانه گویای این امر است که همان‌طور که در حال اضطرار در مخمصه بدنی و محدود به حد رفع اضطرار اکل محرمات جایز است، در حال اضطرار در مخمصه نفسی اقامه رهبری روحی و زمانی مستمر بعد از پیامبرﷺ جایز است. (صادقی، ۱۳۶۵: ۸ / ۷۳)

هـ) تأثیر معرفی ولی مسلمانان در یأس کفار از دین: از عللی که موجب یأس کفار از ارتداد مسلمانان شد، نسخ برخی احکام تورات و حلیت بهیمه انعام بود. تکمیل احکام طعام با نزول حرمت برخی اطعمه و معرفی امیرمؤمنان‌ﷺ به‌عنوان ولی مسلمانان نیز در این جهت بی‌تأثیر نبود، از این‌رو اگر به آیه اکمال انتقالی صورت گرفته، نظر به دخالت همین مناسب بوده است. (فقهی‌زاده، ۱۳۷۴: ۱۰۷ ـ ۱۰۶)

و) جدا نبودن رهبری از آیین دینی: در منطق دینی رهبری زمانی دارای معناست که از رسوبات جاهلی

فاصله بگیرد، ازاین‌رو در ضمن سخن از این عادات ممنوع شده، به مسئله رهبری اشاره شد تا مشخص شود رهبری از آیین دینی جدا نیست. (مدرسی، ۱۴۱۹: ۲ / ۲۹۷ ـ ۲۹۶)

ز) پیوند دین و سیاست: وجه مناسبت دیگر پیوند دین و سیاست است که در تفکر مردم عصر نزول مورد غفلت قرار گرفته، دین منحصر در مسائل فقهی شده بود و به امور سیاسی توجهی نمی‌شد. مؤید این مطلب روایتی است که حکایت از آن دارد که تفکر رایج میان دستِ‌کم عده‌ای از مردم عصر نزول این بوده که ولایت امیرمؤمنان‌علیه‌السلام جزو دین قلمداد نمی‌شود، (ابن‌عبدالوهاب، بی‌تا: ۱۹) زیرا در این روایت بعد از اشاره به امور اعتقادی و فقهی، از مسئله ولایت امیرمؤمنان‌علیه‌السلام سؤال می‌شود و نشان می‌دهد که به عقیده آنان امر به پذیرش ولایت امیرمؤمنان‌علیه‌السلام، خارج از شمول رسالت پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله به حساب می‌آمده است. به این ترتیب آیه سوم سوره مائده با این برداشت از آیه که همان خدایی که تا دیروز نماز، زکات، حج، جهاد و سایر احکام را برای شما نازل کرد، امروز با جریان نصب امیرمؤمنان‌علیه‌السلام دینتان را کامل نمود، خط بطلانی بر این اندیشه کشیده است. چه نیکوست در این باب اشاره به کلام رهبر کبیر انقلاب که در بیان پیوند دین و سیاست در تعبیری چنین آورده است:

> هر کس تصور کند که دین منفک از سیاست است، نه دین را شناخته است و نه سیاست را. (خمینی، ۱۳۹۰: ۱ / ۲۳۴)

بخش سوم. تحلیل نظام روایات صادره از معصومان‌علیهم‌السلام در خصوص آیه اکمال

هر چند رسالت نویسنده در این پژوهش ورود به منازعه علمی روایی با اهلِ‌سنت نیست، اما نویسنده در این گام درصدد است تا بعد از عبور از دیدگاه و خاستگاه آن، توجه مخاطب را به یک نکته روایی معطوف سازد. به این منظور ابتدا موضع‌گیری مفسران اهلِ‌سنت در برابر روایات مبنی بر نزول آیه اکمال در باب ولایت امیرمؤمنان‌علیه‌السلام به اختصار مطرح شده و سپس نظام این روایات مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

برخی مفسران اهلِ‌سنت روایات مبنی بر نزول آیه اکمال در روز هجدهم ذی الحجه سال دهم هجری در باب ولایت امیرمؤمنان‌علیه‌السلام را ضعیف دانسته‌اند (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹: ۳ / ۲۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۲ / ۲۵۹) و از مفتریات شیعه قلمداد کرده و معتقد شده‌اند که رکاکت این روایات در همان بدو امر گواه بر این مطلب است (آلوسی، ۱۴۱۵: ۳ / ۲۳۴) و به این منظور که به عناد با امیرمؤمنان‌علیه‌السلام متهم نشوند، به چنین تعبیری روی آورده‌اند: «ما درصدد انکار مزایای علی بن أبی طالب رضی الله عنه و منزلت او نزد رسول الله‌صلی‌الله‌علیه‌وآله نیستیم». (دروزه، ۱۳۸۳: ۹ / ۳۰) در پاسخ به این مفسران باید گفت:

الف) در روایات شیعیان در خصوص زمان و مورد نزول آیه اکمال، دو قول وجود دارد:

۱. نزول آیه در روز دهم ذی الحجه سال دهم هجری در باب حکم ولایت امیرمؤمنان‌علیه‌السلام (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱ / ۲۹۳؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۲۹۱ ـ ۲۹۰)؛

۲. نزول آیه در روز هجدهم ذی الحجه سال دهم هجری در باب حکم ولایت امیرمؤمنان‌علیه‌السلام. (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۲۸۹؛ بحرانی، ۱۳۷۴: ۲ / ۲۲۵)

برخی علماء جهت جمع روایات احتمالاتی را با توجه به مضمون برخی روایات مطرح کرده‌اند. به‌طور مثال علامه مجلسی احتمال می‌دهد که آیه هم در روز دهم ذی الحجه نازل شده باشد و هم در روز هجدهم ذی الحجه (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳ / ۲۶۰) و یا علامه طباطبایی احتمال می‌دهد که آیه در روز دهم ذی الحجه نازل و در روز هجدهم ذی الحجه بیان شده باشد و اشتمال برخی روایات بر نزول آیه در روز هجدهم ذی‌الحجه به سبب تلاوت آن به هنگام بیان مسئله ولایت باشد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵ / ۱۹۷ ـ ۱۹۶) در صورت عدم جمع روایات نیز روایات مبنی بر نزول آیه در روز دهم ذی‌الحجه در باب حکم ولایت امیرمؤمنان‌علیه‌السلام به سبب ضعف سند طرح خواهد شد و روایات مبنی بر نزول آیه در روز هجدهم ذی‌الحجه در باب حکم ولایت امیرمؤمنان‌علیه‌السلام، به سبب صحت سند اخذ خواهد شد. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳ / ۲۶۱ ـ ۲۵۹)

ب) در روایات اهلِ‌سنت در خصوص زمان نزول آیه اکمال، افزون بر روز دهم ذی‌الحجه سال دهم هجری، (نیشابوری، بی‌تا: ۸ / ۲۳۸؛ بخاری، ۱۴۰۱: ۱ / ۱۶) به روز هجدهم ذی‌الحجه سال دهم هجری (حسکانی، ۱۴۱۱: ۱ / ۲۰۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۲ / ۲۵۹) نیز اشاره شده است و در خصوص مورد نزول آیه، افزون بر اکمال دین با حکم حج و عدم حضور مشرکان در طواف، (طبری، ۱۴۱۲: ۶ / ۵۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۲ / ۲۵۸ ـ ۲۵۷) به اکمال دین با حکم ولایت امیرمؤمنان‌علیه‌السلام (حسکانی، ۱۴۱۱: ۱ / ۲۰۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۲ / ۲۵۹) نیز اشاره شده است. به این ترتیب می‌توان گفت که روایات مبنی بر نزول آیه در روز هجدهم ذی الحجه سال دهم هجری در باب حکم ولایت امیرمؤمنان‌علیه‌السلام مختص به شیعیان نیست و در برخی مصادر روایی اهلِ‌سنت منعکس شده است.

بر پایه پژوهش‌های نویسنده روایات صادره از معصومان‌علیهم‌السلام در خصوص آیه اکمال، فراتر از کارکرد تفسیری، کارکردی تاریخی دارند. این ادعا چهار مقدمه دارد:

مقدمه نخست: معصومان‌علیهم‌السلام در روایات تفسیری، به گونه‌های مختلف ازجمله توضیحی (حویزی، ۱۴۱۵: ۱ / ۵۰۱) و تطبیقی (حویزی، ۱۴۱۵: ۲ / ۴۷۶) پیوندشان با قرآن را منعکس کرده‌اند.

مقدمه دوم: معصومان‌علیهم‌السلام حجج بالغه خداوند: «**نَحْنُ الْحُجَّه الْبَالِغَه عَلَي مَنْ دُونَ السَّمَاءِ وَ مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ**» (کلینی: ۱۴۰۷: ۱ / ۱۹۲) و شرکای قرآن: «**عِبَادَ الرَّحْمَنِ وَ شُرَكاءَ الْقُرْآنِ وَ مَنْهَجَ الْإِيمَان**» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۹ / ۱۶۳) بوده‌اند.

مقدمه سوم: صدور غیرنظام‌مند روایات تفسیری مبین پیوند معصومان﵈ با قرآن، از معصومان﵈ به‌عنوان حجج بالغه خداوند و شرکای قرآن، امری دور از ذهن است. به‌طور مثال صدور برخی روایات از معصومان﵈ به قصد شناساندن مبانی ایدئولوژیک شیعه بوده است.

مقدمه چهارم: استنباط‌های تفسیری مفسرانی که قائل به نزول آیه اکمال در خصوص حکم حج بوده‌اند، (به نقل از ابن‌عطیه، ۱۴۲۲: ۲ / ۱۵۴؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۶ / ۶۱ ـ ۶۲؛ رشید رضا، ۱۹۹۰: ۶ / ۱۳۸) حاکی از اعتقادی دیرینه و رایج مبنی بر ناسازگاری سیاقی در استدلال به آیه بر ولایت امیرمؤمنان﵇ است.

از مجموع این مقدمات می‌توان نتیجه گرفت که در منظومه روایات تفسیری مبین پیوند معصومان﵈ با قرآن، روایات صادره از معصومان﵈ در خصوص آیه اکمال، کوششی هوشمندانه به منظور اثبات نادرستی دیدگاه ناسازگاری سیاقی در استدلال به آیه بر ولایت امیرمؤمنان﵇ بوده است.

نتیجه

اختلاف نظر مفسران اهلِ‌سنت با مفسران شیعی در مورد دلالت آیه اکمال، ریشه در امری غیر از روایات دارد و آن چگونگی فهم ارتباط موجود میان آیه اکمال و آیه محرمات طعام است. فهم نادرست این ارتباط، زمینه طرح دیدگاه ناسازگاری سیاقی در استدلال به آیه اکمال بر ولایت امیرمؤمنان﵇ را فراهم آورده است. در این پژوهش با تکیه بر جایگاه سیاق در تفسیر قرآن، نادرستی این دیدگاه ثابت شده و بر پایه بررسی‌های صورت گرفته نتایج زیر به‌دست آمده است:

۱. میان آیه اکمال و آیه محرمات طعام وحدت سیاق حاکم نیست، اما سازگاری سیاق حاکم است. ظهور سیاقی از ضعیف‌ترین ظهورات است و توانایی آن در کشف مراد خداوند از یک آیه از حد قرینه فراتر نمی‌رود، اما در عین حال تفسیر مفسر از آن آیه نباید با معنای ظهور یافته از سیاق مخالفت داشته باشد.

۲. اگر خاستگاه دیدگاه، اعتقاد به متصله بودن آیه اکمال و چالش سیاقی، حکم به عدم‌ارتباط موضوعی آیه اکمال ـ با دلالت بر ولایت امیرمؤمنان﵇ ـ با آیه محرمات طعام باشد، چنین نگرشی مخدوش است. آیه اکمال خواه پیوستگی نزولی با آیه محرمات طعام داشته باشد و خواه نداشته باشد، با توجه به متوقف نبودن دلالت آیه محرمات طعام بر آیه اکمال و تغییر لحن در آیه اکمال، آیه‌ای معترضه است، لذا خاستگاه دیدگاه مخدوش است. با مخدوش شدن خاستگاه دیدگاه، خود دیدگاه نیز مخدوش می‌شود، زیرا با اثبات معترضه بودن آیه اکمال، لزوم ارتباط موضوعی با آیه محرمات طعام منتفی شده و صرف وجود ارتباط معنایی، هیچ نقطه مبهمی در این خصوص باقی نمی‌گذارد.

۳. اگر خاستگاه دیدگاه، اعتقاد به معترضه بودن آیه اکمال و چالش سیاقی، حکم به عدم ارتباط معنایی آیه اکمال ـ با دلالت بر ولایت امیرمؤمنان علیه السلام ـ با آیه محرمات طعام باشد، چنین نگرشی مخدوش است. آیه اکمال هر چند آیه‌ای معترضه است، اما به حسب معنا به آیه محرمات طعام مرتبط است و وجوه مناسبت متعددی میان این دو آیه قابل شناسایی است.

۴. به تناسب اثبات معترضه بودن آیه اکمال و مرتبط بودن آن ـ با دلالت بر ولایت امیرمؤمنان علیه السلام ـ به حسب معنا به آیه محرمات طعام، دیدگاه یادشده به کلی رنگ می‌بازد و نظریه دلالت آیه اکمال بر ولایت امیرمؤمنان علیه السلام که بر پایه روایات استوار بود، اعتبار می‌یابد.

۵. در منظومه روایات تفسیری مبین پیوند معصومان علیهم السلام با قرآن، روایات صادره از معصومان علیهم السلام در خصوص آیه اکمال، کوششی هوشمندانه به منظور اثبات نادرستی دیدگاه ناسازگاری سیاقی در استدلال به آیه بر ولایت امیرمؤمنان علیه السلام بوده است.

منابع و مآخذ

- ***قرآن کریم***، ۱٤۱۵ ق، ترجمه محمدمهدی فولادوند، تهران، دار القرآن الکریم.
- آلوسی، سید محمود، ۱٤۱۵ ق، ***روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی***، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ابن‌عاشور، محمدطاهر، بی‌تا، ***التحریر و التنویر***، بیروت، مؤسسة التاریخ.
- ابن‌عبدالوهاب، حسین، بی‌تا، ***عیون المعجزات***، قم، مکتبة الداوری.
- ابن‌عطیه اندلسی، عبدالحق، ۱٤۲۲ ق، ***المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز***، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ابن‌کثیر، اسماعیل، ۱٤۱۹ ق، ***تفسیر القرآن العظیم***، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- امینی، عبدالحسین، ۱۳۹۷ ق، ***الغدیر فی الکتاب***، بیروت، دار الکتاب العربی، چ ٤.
- بابایی، علی‌اکبر و غلامعلی عزیزی‌کیا و مجتبی روحانی‌راد، ۱۳۸۸ ش، ***روش‌شناسی تفسیر قرآن***، تهران، سمت، چ ٤.
- بحرانی، سیدهاشم، ۱۳۷٤ ش، ***البرهان فی تفسیر القرآن***، تهران، مؤسسه بعثت.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، ۱٤۰۱ ق، ***الجامع صحیح***، بیروت، دار الفکر.
- بروسوی، اسماعیل، بی‌تا، ***تفسیر روح البیان***، بیروت، دار الفکر.
- بیضاوی، عبدالله، ۱٤۱۸ ق، ***انوار التنزیل و اسرار التأویل***، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ثقفی تهرانی، محمد، ۱۳۹۸ ق، ***تفسیر روان جاوید***، تهران، برهان، چ ۳.

- جلائیان اکبرنیا، علی و محمدامین انسان، ۱۳۹۸ ش، «پژوهشی در سیاق سوره مائده از طریق نظم فراخطی»، ***مشکوة***، ش ۱۴۳، ص ۵۲ ـ ۲۳، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- جلائیان اکبرنیا، علی، ۱۳۹۱ ش، ***ابلاغ ولایت اکمال رسالت***، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چ ۳.
- حسکانی، عبیدالله، ۱٤۱۱ ق، ***شواهد التنزیل لقواعد التفصیل***، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حسینی تهرانی، سید محمدحسین، ۱٤۲٦ ق، ***امام‌شناسی***، مشهد، علامه طباطبایی، چ ۳.
- حسینی همدانی، سید محمد، ۱٤۰٤ ق، ***انوار درخشان***، تحقیق محمدباقر بهبودی، تهران، کتابفروشی لطفی.
- حلی، حسن بن یوسف، ۱٤۱۳ ق، ***کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد***، تحقیق حسن حسن‌زاده آملی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، چ ٤.
- حوی، سعید، ۱٤۲٤ ق، ***الاساس فی التفسیر***، قاهره، دار السلام، چ ٦.
- حویزی، عبدعلی، ۱٤۱٥ ق، ***تفسیر نور الثقلین***، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، قم، اسماعیلیان، چ ٤.
- خامه‌گر، محمد، ۱۳۹٦ ش، ***اصول و قواعد کشف استدلالی غرض سوره‌های قرآن***، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- خطیب، عبدالکریم، بی‌تا، ***التفسیر القرآنی للقرآن***، بیروت، دار الفکر العربی.
- خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۹۰ ق، ***تحریر الوسیله***، نجف، دار الکتب العلمیة.
- دروزه، محمدعزت، ۱۳۸۳ ق، ***التفسیر الحدیث***، قاهره، دار احیاء الکتب العربیه، چ ۲.
- رازی، ابوالفتوح حسین، ۱٤۰۸ ق، ***روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن***، تحقیق محمدجعفر یاحقی و محمدمهدی ناصح، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱٤۲۰ ق، ***مفاتیح الغیب / التفسیر الکبیر***، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ ۳.
- رامیار، محمود، ۱۳٦۹ ش، ***تاریخ قرآن***، تهران، امیرکبیر، چ ۳.
- رشید رضا، محمد، ۱۹۹۰ م، تفسیر القرآن الحکیم، مصر، الهیئة المصریة العامة للکتاب.
- زرکشی، محمد، ۱٤۱۰ ق، ***البرهان فی علوم القرآن***، بیروت، دار المعرفة.
- زمخشری، محمود، ۱٤۰۷ ق، ***الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقاویل فی وجوه التأویل***، بیروت، دارالکتاب العربی، چ ۳.
- سبزواری نجفی، محمد، ۱٤۰٦ ق، ***الجدید فی تفسیر القرآن المجید***، بیروت، دار التعارف.

- سید قطب، ١٤١٢ ق، ***فی ظلال القرآن***، بیروت، دار الشروق، چ ١٧.
- سیوطی، جلال‌الدین، ١٤٠٤ ق، ***الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور***، قم، کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی.
- سیوطی، جلال‌الدین، ١٤٢١ ق، ***الاتقان فی علوم القرآن***، بیروت، دار الکتاب العربی، چ ٢.
- صادقی تهرانی، محمد، ١٣٦٥ ش، ***الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة***، قم، فرهنگ اسلامی، چ ٢.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ١٣٧٨ ش، ***شیعه در اسلام***، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ١٣.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ١٤١٧ ق، ***المیزان فی تفسیر القرآن***، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ٥.
- طبرسی، فضل، ١٣٧٢ ش، ***مجمع البیان لعلوم القرآن***، تحقیق محمدجواد بلاغی، تهران، ناصر خسرو، چ ٣.
- طبری، محمد، ١٤١٢ ق، ***جامع البیان فی تفسیر القرآن***، بیروت، دار المعرفة.
- طیب، سید عبدالحسین، ١٣٧٨ ش، ***اطیب البیان فی تفسیر القرآن***، تهران، اسلام، چ ٢.
- عرفان، حسن، ١٣٧٩ ش، ***اعجاز در قرآن کریم***، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- عیاشی، محمد، ١٣٨٠ ق، ***کتاب التفسیر***، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، المطبعة العلمیة.
- فضل‌الله، سید محمدحسین، ١٤١٩ ق، ***تفسیر من وحی القرآن***، بیروت، دار الملاک، چ ٢.
- فقهی‌زاده، عبدالهادی، ١٣٧٤ ش، ***پژوهشی در نظم قرآن***، تهران، جهاد دانشگاهی.
- فیض کاشانی، محمدمحسن، ١٤١٨ ق، ***الاصفی فی تفسیر القرآن***، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- قرطبی، محمد، ١٣٦٤ ش، ***الجامع لأحکام القرآن***، تهران، ناصر خسرو.
- کاشانی، فتح‌الله، ١٣٣٦ ش، ***تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین***، تهران، کتابفروشی محمدحسن علمی، چ ٣.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ١٤٠٧ ق، ***الکافی***، تهران، دار الکتب الاسلامیة، چ ٤.
- مجلسی، محمدباقر، ١٤٠٣ ق، ***بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار***علیهم‌السلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ ٢.
- مجلسی، محمدباقر، ١٤٠٤ ق، ***مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول***، تهران، دار الکتب الاسلامیة، چ ٢.
- مدرسی، سید محمدتقی، ١٤١٩ ق، ***من هدی القرآن***، تهران، دار محبی الحسین علیه‌السلام.
- مطهری، مرتضی، ١٣٨٤ ش، ***مجموعه آثار استاد شهید مطهری***، تهران، صدرا، چ ٧.
- معرفت، محمدهادی، ١٣٨٢ ش، ***تاریخ قرآن***، تهران، سمت، چ ٥.

- معرفت، محمدهادی، ١٤١٥ ق، ***التمهید فی علوم القرآن***، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، چ ۲.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ١٣٧٤ ش، ***تفسیر نمونه***، تهران، دار الکتب الاسلامیة.
- موسوی دارابی، سیدعلی، ۱۳۸۲ ش، ***نصوص فی علوم القرآن***، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی، ١٤٠٩ ق، ***مواهب الرحمان فی تفسیر القرآن***، بیروت، مؤسسة اهل‌البیت علیهم‌السلام، چ ۲.
- میبدی، محمدفاکر، ۱۳۸۵ ش، ***قواعد التفسیر لدی الشیعة و السنة***، تهران، المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الاسلامیة.
- نکونام، جعفر، ۱۳۸۰ ش، ***درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن***، تهران، هستی‌نما.
- نیشابوری، مسلم بن حجاج، بی‌تا، ***الجامع الصحیح***، بیروت، دار الفکر.